

تلاشی ارزنده و سودمند که به شکل کتاب درسی ادبیات فارسی (۵ و ۶) ویژه دانش آموزان سال سوم رشته ادبیات و علوم انسانی در مقطع متوسطه ارائه شده قابل تقدیر و ارجح‌گزار است.

اما نواقص و کاستی‌هایی هم در آن وجود دارد که جهت اصلاح در چاپ‌های بعدی در این سیاهه ارائه می‌گردد.

#### ■ فهرست مطالب:

مؤلفان در تنظیم فهرست (مطالب یا دروس) کتاب دقت تمام کرده و تلاشی فراوان به کار برده‌اند تا فهرست کتاب، دقیق و کامل تنظیم شود اما با این وصف ناهماهنگی‌هایی در تهیه فهرست دیده می‌شود که در زیر بدان پرداخته می‌شود:

— عنوان درس اول طبق عناوین دروس فصل‌های بعد باید به صورت درس اول: تحمیدیه و نعت: ستایش خدا... و عنوان کامل درس بیست و ششم طبق نظر مؤلفان در مورد سایر دروس باید به صورت مکتب‌خانه، ص ۱۸۰، آی فلقل ترشی ص ۱۸۳، سقوط از بام ص ۱۸۴ ثبت شود.

— عنوان درس سی و پنجم بهتر است از «زاهد و پادشاه: گلستان سعدی و...» به «حکایت‌هایی از سعدی و...» تغییر یابد. همچنین لازم به ذکر است که عنوان قسمت دوم این درس — «بیداد ظالمان» — ثبت نشده است.

— نیز بهتر است در عنوان درس سی و هفتم عدد

(۳) قبل از «سالگرد» بیاید نه قبل از ادبیات عاشورایی.

— نابسامانی در تعیین منابع دروس:

اصل بر این بوده است که در فهرست، همراه با عناوین دروس، نویسنده آن درس را معین نمایند اما در موارد زیر به جای نام نویسنده، نام اثر او آمده است.

درس پنجم، قسمت دوم درس دهم، درس بیست و هشتم، قسمت دوم درس سی و هشتم. همچنین برای درس سی و پنجم و قسمت اول و سوم درس سی و هشتم، هم نام مؤلف ذکر شده هم نام اثر که این امر باعث چندگانگی در این زمینه شده است.

— بهتر است چون کتاب‌های ادبیات فارسی سال‌های اول و دوم، عناوین شعرهای حفظی در فهرست آورده شود.

#### ■ واژه‌ها و ترکیبات و اعلام:

۱- بسیاری از لغات و ترکیبات مشکل کتاب، معین و معنی نشده‌اند، موارد زیر تنها بخشی از آنهاست:

سمند و تمهید ص ۹، بوی ص ۱۱، مجمر و لخت ص ۱۶، دارالخلافة، جلاد ص ۲۱، وژاق و تابع ص ۲۲، دوک ص ۲۳، سیاست، ستار العیوب، بوالفضول، شایبه و سلک ص ۲۴، دیرک ص ۲۷، منجم باشی ص ۲۸، یله ص ۴۵، توفیر و کرخ ص ۴۷، قیضه، پوده ص ۵۰، اشباع، خیک ص ۵۳، رافضی ص ۵۹، وبال ص ۶۰، ادب درس و ادب نفس ص ۶۲، تشقی ص ۸۳، منشور ص ۸۴، صاحب دیوان رسالت، حاکم لشکر ص ۸۵، نماز خفتن ص ۸۷، نوباه ص ۸۹، سخیف ص ۹۴، خدم، حشم ص ۹۵، وفور، کیاست، اهمال، حمیت ص ۹۶، فاقه و نفاذ ص ۹۷، موثیق ص ۹۸، غدر ص ۱۰۷، وقوف، حلول، مفارقت، اعظم اصحاب، مندفع ص ۱۱۰، اجله، اقدام ص ۱۱۲، مرضع، مکمل، الوان تهنیت، کزار، حَمل

ص ۱۱۳، ایام کبیسه ص ۱۱۴، عتاب، نزاکت ص ۱۲۴، اشرفی ص ۱۲۶، روبیل ص ۱۳۳، نیک اختری ص ۱۳۷، ممر، ترکش ص ۱۶۷، موبد، یسار، وداد ص ۱۶۸، جرگه چی ص ۱۶۹، کلون ص ۱۷۴، چرتکه ص ۱۷۵، افاقه، لله ص ۱۸۴، ارسی ص ۱۸۵، سجاده بر روی آب افگندن ص ۲۴۶، عور ص ۲۵۳.

۲- واژه‌های زیر در فهرست واژگان آمده‌اند در حالی که در متن دروس فاقد علامت ستاره‌اند: (شماره‌هایی که در مقابل هر واژه ذکر گردیده، مربوط به صفحه‌ای است که واژه مذکور در آن به کار رفته است).

فاخر ص ۱، رز ص ۱۶، مستطاب ص ۲۳، خردمایه ص ۲۴، گزاف ص ۲۵، کز و فر، دفینه ص ۲۶، صله ص ۲۸، باطنی ص ۵۹، وحوش و متابعت ص ۹۳، اتباع ص ۹۴، دمدمه ص ۹۷، سورچی ص ۱۲۹، خطر ص ۱۳۸، معالج ص ۱۹۳، عدل ص ۲۶۱.

۳- واژه‌های ماحضر ص ۱۶۱ و تلمذ ص ۱۷۵ علامت ستاره دارند اما در فهرست واژگان نیامده‌اند.

۴- واژه‌های ذیل در فهرست واژگان آمده‌اند در حالی که متن دروس و کتاب فاقد چنین لغاتی هستند: اشکوب، افزاز، افزاز، امان دادن، باج، بطالت، بغتاً، ترب، تسجیع، چنان، چرخ، خراج، خلو، خلو، خیار بالنگ، راج، راست، ربع مسکون، رحلت، سدره، سماع، سمر، سور، شبات، شحنة، صفیر، طویله، عراق، عشاق، لفاظی، لولی، مردریگ، مصرع، مقامات، ممارست، مهین، نحوی، نخشی، ورس، یوز.

۵- معمول است که لغات و ترکیبات مشکل را در اولین کاربرد معنی می‌کنند و در موارد بعدی ارجاع می‌دهند. واژه‌های زیر در کاربردهای بعدی خود نشاندار شده‌اند:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

لغت	اولین کاررفت	کاررفتی که نشان‌دار شده
عذار	ص ۳ س ۲	ص ۱۰۳ س ۱۹
سبیل	ص ۴ س ۳	ص ۱۰۱ س ۷
تیمار	ص ۱۶ س ۱۲	ص ۹۳ س ۵
مُثله	ص ۱۹ س ۸	ص ۱۰۸ س ۱
بیاض	ص ۲۴ س ۱۶	ص ۱۰۴ س ۹
نغز	ص ۲۵ س ۱۶	ص ۲۸ س ۲۶
لاف	ص ۲۹ س ۲	ص ۲۱۹ س ۱۹
شور	ص ۲۷ س ۱۱	ص ۴۷ س ۱۹
مُحال	ص ۴۹ س ۱۶	ص ۶۱ س ۲۴
کاکل	ص ۵۱ س ۲۱	ص ۱۱۱ س ۸
خراج	ص ۵۹ س ۷	ص ۲۲۴ س ۱۲
غِزِه	ص ۵۹ س ۱۵	ص ۱۰۱ س ۱۲
غذار	ص ۵۹ س آخر	ص ۱۰۱ س ۱۰
مقام	ص ۶۰ س ۱۰	ص ۹۵ س ۲۴
زرق	ص ۶۰ س ۲۳	ص ۶۲ س ۲۱
ثقت	ص ۶۱ س ۲۰	ص ۹۶ س ۱۵
قباله	ص ۸۵ س ۲	ص ۸۶ س ۱۱
مصلی	ص ۸۷ س ۱۵	ص ۱۰۷ س ۱
مکاوحت	ص ۸۸ س ۲۱	ص ۱۰۸ س ۹
تعهد	ص ۹۲ س آخر	ص ۹۳ س ۵
بهایم	ص ۹۴ س ۱۱	ص ۱۹۵ س ۴
مأوف	ص ۹۵ س ۲۵	ص ۱۰۳ س ۴
تأمل	ص ۹۶ س ۱۳	ص ۱۰۱ س ۱۵
نقض	ص ۹۸ س ۲۳	ص ۱۰۳ س ۵
تقریر	ص ۱۰۷ س ۵	ص ۱۶۱ س ۸
مهیب	ص ۱۲۴ س ۱۰	ص ۲۵۸ س ۹

۶- واژه‌های زیر مربوط به قسمت‌هایی از کتاب است که در چاپ ۷۹ حذف شده است، اما واژه‌های مربوط به آنها حذف نشده‌اند (شماره صفحه از چاپ ۷۸ است).

تعلیق (۶۴)، مبرم (۶۴)، دزاعه (۸۵)، پرویزن (۱۱۱)، کافور، قنات (۱۱۱).

۷- در تهیه اعلام این کتاب نیز چون کتاب‌های قبلی هیچ قاعده و ضابطه و شیوه خاصی ملاحظه نمی‌گردد. بعضی از اعلام آشنا ذکر گردیده و بسیاری از اعلام دور از ذهن نادیده گرفته شده‌اند. به حتم و یقین می‌توان گفت که اعلام نادیده گرفته شده به اندازه اعلامی است که در فهرست آمده‌اند، به عنوان مثال اعلام درس هشتم، تاریخ بیهقی، که در فهرست اعلام ثبت نشده است آورده می‌شود:

علی حاجب، ارسلان خان، یقراخان، آدم، اریارق، خوارزم، بونصر مشکان، بُست، فضل بن ربیع، احمد عبدالضمد.

#### ■ توضیحات:

الف: در کتاب‌های جدید، بخش توضیحات برای توضیح عبارات مشکل و جنبه‌های کلیدی متن در نظر گرفته شده است. اما این بخش همیشه چنین نیست و گاهی نیز واژه‌های مشکل در این بخش معنی شده‌اند حال آن که این واژه‌ها قاعدتاً باید در فهرست واژگان بیایند. موارد زیر اینگونه‌اند:

ش ۵ ص ۲۹ - بیاض: پاک‌نویس کردن، در ضمن این واژه در فهرست واژگان نیز آمده است.

ش ۱ ص ۶۳ - برخیره: بیهوده.

ش ۳۶ ص ۹۰ - نماز پیشین: نماز ظهر.

ش ۴ ص ۹۹ - حالی: فوراً، در آن حال، در آن

لحظه.

ش ۲ ص ۱۴۶ - حوصله: توانایی، قدرت، قابلیت.

ش ۳ ص ۱۷۳ - به طور: مثل، مانند.

ش ۳ ص ۱۸۷ - طوآفی: فروشنده دوره‌گرد، در

ضمن همین واژه در فهرست واژگان نیز آمده است.

ب: اشکالات و نارسایی‌ها:

در توضیح، معنی و اشارات بعضی از توضیحات، اشکالات و گاهی نادرستی‌هایی دیده می‌شود از جمله:

۱- توضیح شماره ۳۲ ص ۹۰ زائد است چون واژه مربوط در ص ۸۴ با علامت ستاره معین شده و در فهرست واژگان نیز توضیحات مربوط به آن آمده است.

۲- توضیح شماره ۹ و ۱۰ صفحه ۱۳۹ در توضیح

این دو بیت ناصر خسرو قبادیانی:

تورا خط قید علوم است و خاطر

چو زنجیر مر مرکب لشکری را

تو با قید بی‌اسب پیش سواران

نباشی سزاوار جز چاکری را

آمده است: «شاعر در این دو بیت خطاب به دبیر (کاتب

و نویسنده) او را به کسب علم ترغیب می‌کند و می‌گوید:

تو ثبت‌کننده علم (کاتب) هستی نه صاحب علم (عالم).

مانند نگهبان اسب جنگی که با صاحب اسب جنگی

تفاوت دارد. بنابراین، تا زمانی که صاحب اسب نشوی

(عالم نشوی)، هم چنان نوکر و زیردست خواهی ماند...»

به این توضیح چند ایراد وارد است:

اولاً با قرینه ابیات ماقبل و کلمات «خط و خاطر»،

خطاب شاعر به نویسنده و دبیر نیست بلکه او نویسنده

(نویسندگان) و شاعر (شاعران) را خطاب قرار می‌دهد.

ثانیاً آنها را به کسب علم دعوت نمی‌کند بلکه به

«فهم علم» دعوت می‌کند و به آنها می‌گوید شما چون

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



ادبیات فارسی (۵) و (۶)

اصغر ارشاد سرابی و ...

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۹

دانش‌ها را فقط حفظ کرده‌اید مانند لشکری‌ای هستید که زنجیر اسب را در دست داشته باشد و معتقد است که آنها علوم را فقط کسب کرده‌اند در حالی که فهم خود را در آن به کار نبسته‌اند و به قول خود شاعر آنها از اسب علم فقط افسارش را در دست دارند در حالی که عالمان واقعی (سواران) کسانی‌اند که بر اسب علم و دانش سوار گشته‌اند و همه زیر و بم آن را فهمیده‌اند و به همین جهت است که در ابیات بعد می‌گوید: شما اگر می‌فهمیدید «محمود غزنوی را همپای عمار و بوذر مدح نمی‌کردید و قیمتی در لفظ دری را در پای خوکان نمی‌ریختید.»

ثالثاً در این دو بیت هیچ مقایسه‌ای بین نگهبان اسب جنگی و صاحب اسب جنگی نشده است. در مجموع معنای این دو بیت با توجه به ابیات ماقبل و مابعد آنها چنین است: شاعر خطاب به نویسندگان و شاعران دریاری می‌گوید: شما فقط خط و ذهن و قریحه (بزار کسب دانش) را دارید نه خود دانش را و به همین جهت در مقابل عالمان واقعی چاکران و غلامانی بیش نیستید.

#### ■ اشکالات محتوایی و چاپی:

۱- در صفحه (۱) در مورد تحمیدیه‌ها آمده است که: «سرشار از سوز و شور و لطافت و هنر و زیبایی‌اند و چون از مضامین آیات قرآنی و احادیث نبوی و سخنان پیشوایان دین متأثرند، بر خواننده تأثیری خاص می‌گذارند.»

در این عبارت، نقصان مفهوم محسوس است. اگر همین مفهوم به صورت زیر بیان شود کامل‌تر نیست؟ سرشار از سوز و شور و لطافت و هنر و زیبایی‌اند و چون آیات قرآنی و احادیث نبوی و سخنان پیشوایان دین یا مضامین آنها در این نوشته‌ها و سروده‌ها درج شده است بر خواننده تأثیری خاص می‌گذارند.

همچنین در همین صفحه و در ادامه مطالب آمده است که: «در همه تحمیدیه‌های زبان فارسی نوعی براءت استهلال دیده می‌شود.» این سخن نیز تحقیق بیشتری را می‌طلبد و به همین سادگی نمی‌شود این

حکم کلی را صادر کرد، به عنوان مثال براءت استهلال تحمیدیه‌های گلستان سعدی یا شاهنامه فردوسی در کدام قسمت آنهاست؟ به نظر می‌رسد بهتر است در بیان نظریات خود دقت بیشتری بنماییم.

۲- در صفحه ۲۵، سطر (۴)، ترکیب «رطب و یابس» به نشان ستاره نیازی ندارد چون این ترکیب در بخش توضیحات آمده است (و ثانیاً در فهرست واژگان نیز نیامده است).

۳- در صفحه ۸۵، سطر (۹) واژه‌های ترکیب «موزه میکائیلی» با نشان ستاره معین شده‌اند تا در بخش فهرست واژگان معنی شوند، به نظر می‌رسد درست آن است که توضیحات مربوط به این ترکیب (یک جا) در بخش توضیحات درس بیاید. در ضمن واژه میکائیلی در فهرست واژگان میکالی آمده است.

۴- صفحه ۹۵، سطر (۹)، با توجه به توضیحات بهتر است که عدد (۹) در پایان سطر و جمله بیاید.

۵- صفحه ۱۶۸، سطر (۱۳)، عدد (۳) مربوط به واژه «به طور» است نه فرنگی پس باید بر روی آن گذاشته شود.

۶- اشکالات مربوط به درس در محراب عشق، صفحه ۱۹۳:

کلمات «فرائض، سنن، نوافل و فضایل» مربوط به عبارت «صبر کردند تا از فرائض و سنن فارغ شد و به نوافل و فضایل نماز ابتدا کرد. مرد معالجه آمد و گوشت بر گرفت و استخوان وی بشکست و بیکان بیرون گرفت و علی اندر نماز بر حال خود بود...» (از داستان پیکان فرو گرفتن از استخوان حضرت علی (ع) اندر حال نماز) در فهرست واژگان به ترتیب: واجبات دینی مثل «نماز و روزه»، «مقدمات و امکانات (؟) نماز و واجبات آن است تا پایان سلام نماز»، «نمازهای مستحبی که واجب نیستند مثل آیه‌ها و دعاها» که بعد از نماز می‌خوانند»، «مستحبات نماز» معنی شده است.

گذشته از اشکالاتی که در معانی مذکور وجود دارد؛ مثلاً امکانات نماز یعنی چه؟ نمازهای مستحبی که واجب نیستند یعنی چه؟ نمازهای مستحبی مثل آیه‌ها

و دعاها یعنی چه؟ بین معانی مذکور با متن تناقض وجود دارد؛ اگر فرائض، نماز و اگر سنن، واجبات نماز تا پایان سلام است دو جمله «صبر کردند تا از فرائض و سنن فارغ شد» و «علی اندر نماز بر حال خود بود» با هم تناقض پیدا می‌کنند، همین تناقض در مورد معانی ارائه شده برای نوافل و فضایل با متن به وجود می‌آید؛ اگر نوافل و فضایل مستحبات بعد از نماز باشد با جمله «علی (ع) اندر نماز بر حال خود بود» تناقض پیدا می‌شود. اما راه حل: فرائض و سنن در این عبارت به معنای واجبات قبل از نماز چون وضو و منظره از نوافل و فضایل نیز مستحبات قبل از نماز چون اذکار، اوراد، ادعیه، اذان و اقامه است و با این توجیه تمام آن تناقضات برطرف می‌گردد.

۷- صفحه ۲۰۶، سطر ۱۶، ترکیب «ناکجا آباد» در توضیحات آمده، اما شماره مربوط در متن بر روی آن نیامده است.

۸- در صفحه ۲۴۱، بخش توضیحات درس نیامده است.



۹- صفحه ۲۴۶، سطر ۱۰، واژه «مقمر» به غلط «مقیر» چاپ شده است.  
۱۰- صفحه ۲۵۷، سطر ۱۱، واژه «حسیته» به غلط «حسیبه» چاپ شده است.  
۱۱- در صفحه ۲۶۰ بیت ۵، علامت ستاره بر روی ترکیب «چاه مقنع» زائد است چون در کتاب، اعلام فاقد علامت‌اند.

■ فهرست واژگان، اعلام، منابع و مأخذ:  
الف: اشکالات معنایی واژگان:

۱- استغنا: این واژه در صفحه ۲۵۱ در متنی از منطق الطیر عطار به کار رفته است و معنی عرفانی آن مدنظر است نه معنای لغوی آن.

۲- براعت استهلال: تعریف این اصطلاح چون واژه‌ها و ترکیب‌های دیگر از فرهنگ معین ضبط شده است. مسلماً بهتر است که در معنی و تعریف واژه‌ها و ترکیباتی که فرهنگ اصطلاحی خاص دارند از آنها استفاده شود زیرا این گونه فرهنگ‌ها با دقت بیشتری فراهم آمده‌اند. محض مقایسه، تعریف همین اصطلاح از فرهنگ معین (که اساس معنای کتاب است) و کتاب واژه‌نامه هنر شاعری<sup>(۱)</sup> آورده می‌شود: در فرهنگ معین در ذیل این واژه آمده است: «آن است که نویسنده یا شاعر در ابتدای کتاب یا مطلع قصیده، الفاظی چند ایراد کند که خواننده به محض خواندن آنها از مقصد و مراد نویسنده و گوینده آگاه شود».

و در واژه‌نامه آمده است: «آن است که شروع و مقدمه سخن به گونه‌ای باشد که با موضوع مورد بحث گوینده و آنچه می‌خواهد بیان کند تناسب داشته باشد و این کار باید با ظرافت و استادی انجام پذیرد... نمونه‌هایی از کاربرد این صنعت را در مقدمه بعضی از داستان‌های شاهنامه می‌توان یافت که فردوسی متناسب با داستان‌هایی که می‌خواهد بیان کند مقدمه‌ای سروده است تا ذهن خواننده را برای اصل داستان آماده کند».

۳- بقاع: این واژه جمع «بقعه» به معنی مکان‌های مقدس است. این واژه به صورت مفرد معنی شده است و

برخلاف قیاس «مکان مبارکه» ذکر شده است.

۴- پشتواره: این واژه در صفحه ۲۸۸ و جمله «همه عمر برو بازو زدم و مال به دست آوردم تا تو کافر دل پشتواره بندی و بیبری؟ از داستان شولم شولم کلیله و دمنه آمده، معنای مشخص این واژه «کوله‌بار، کوله‌پشتی، و کیسه‌ای که برای حمل خواربار و لوازم دیگر بر پشت بندند» می‌باشد در حالی که در معنی این کلمه در فهرست آمده است: «باری که بر پشت حمل کنند».

۵- جهاز: فقط اولین معنی ارائه شده برای این واژه مناسب جمله‌ای است که در آن به کار رفته است و ذکر معنای دیگر لزومی ندارد و بی‌مورد است.

۶- حرس: اولاً جمع حارس و به معنی نگاهبانان و پاسبانان است ثانیاً به معنی زندان نیز می‌باشد. در ذیل «والی حرس» آمده که جمع است.

۷- دماغ: این واژه در بیت ذیل از خاقانی آمده است:

سیل خون از جگر آرید سوی بام دماغ

ناودان مژه را راه گذر بگشاید  
و به معنی مغز سر می‌باشد نه «اندیشه و فکر» که در واژه‌نامه آمده است، در ضمن نیازی به آمدن این واژه در واژه‌نامه نیست چون معنای این کلمه در معنای بیت در قسمت توضیحات درس آمده است.

۸- سَجَل: علاوه بر معنی ای که برای آن ذکر شده است به معنی ثبت کردن و تأیید کردن در صفحه ۶۴ به کار رفته است.

۹- فَرّ: در مورد یاد شده، صفحه ۱۷ به معنای جلال و شکوه است نه فروغ ایزدی.

۱۰- گز: منظور نام درخت است نه «تیر بی پر...» (و این واژه که در صفحه ۱۶ نشاندار گردیده با موصوف خود «درخت» به کار رفته است).

۱۱- مَسُوْدَه: به غلط «مَسُوْدَه» ضبط شده است.

ب: به هم ریختگی الفبایی واژه‌نامه:

آمدن «اقهام» قبل از «اقوا»، «جبه» قبل از «جبر»، «جدل» بعد از «جذام، جرب و جزم» «جزم قبل از جدل و

جری»، «خليفة شهر قبل از خلود»، «صبيه قبل از صبوحي»، «نیام و نیر اعظم» قبل از «نواخت، نوافل و نواله» نمونه‌هایی از موضوع مطروحه است.

ج: اختلاط واژه‌نامه با فهرست اعلام:

واژه‌های «زمینج، ذوالفقار» چون اسم علم هستند باید در فهرست اعلام بیایند نه در فهرست واژگان.

د: به هم ریختگی الفبایی اعلام:

آمدن «اشیل» در بین کلمات حرف «الف»، «تولی» آخرین کلمه حرف «ت» به عنوان اولین کلمه حرف فوق، «ثابت محمودی» در میان کلمات حرف «ت»، «سامانی»، منصورین نوح» قبل از «زوزنی، خواجه بوسهل»، «صفی، فخرالدین علی» قبل از «صفوی، شاه اسماعیل»، «مطلع الانوار» قبل از «مشهد اردهال، مشیری، فریدون، مصباح الهدایه و مفتح الکفایه» به هم ریختگی الفبایی فهرست اعلام را نشان می‌دهد.

همچنین در شرح حال فردوسی آمده است که: «وی که در خانواده‌ای دهقان متولد شده بود، شاهنامه را پس از اتمام کتاب شاهنامه، آن را به سلطان محمود غزنوی تقدیم کرد ولی بنا به دلایلی، این اثر حماسی مورد توجه سلطان قرار نگرفت و فردوسی را رنجیده خاطر کرد.» که به بهم ریختگی جملات بارز است و احتیاج به توضیح نیست.

ه: بهم ریختگی الفبایی منابع و مأخذ:

آمدن «انسان کامل» بعد از «انواع ادبی»، «برف و سایه‌ها و...» بعد از «بوستان سعدی»، «دیوان فخرالدین عراقی» بعد از «دیوان فروغی بسطامی و فیضی دکنی»، «دیوان کمال‌الدین اسماعیل» بعد از «دیوان میرزا حبیب خراسانی»، «فصلی از عاشقانه‌ها» بعد از «فن نثر» (که به اشتباه نشر چاپ شده است) در ادب فارسی»، «گلستان سعدی» بعد از «گلشن راز»، «منتخبی از داستان‌ها و...» بعد از «منشآت قائم‌مقام قراهنی» نشان می‌دهد که در این قسمت نیز از نظر الفبایی اشکال هست.

پی‌نوشت:

۱- واژه‌نامه هنر شاعری، میمنت میرصادقی (ذوالقدر)، کتاب مهنار، چاپ اول، ۱۳۷۳.